

A History of the Modern Middle East



تاریخ خاورمیانه مدرن (۷۸)

ولیم کلیولند

ترجمه: عسکر قهرمانپور

فروپاشی نظم و قانون

در دو سال بعد، مجلس با درگیری‌های مواجه شد. ائتلافی که پیش‌تر در مخالفت با رژیم قاجار متحد شده بود، اکنون بر سر مسائلی مانند رابطه دولت با نهاد دینی و میزان و سرعت اصلاحات اجتماعی دچار اختلاف شد. بحث‌های لفظی در مجلس به درگیری‌های مسلحانه در خیابان‌های تهران کشیده شد و طرفداران گروه‌های مختلف سیاسی در آن شرکت کردند. دولت فلج شد و الگوی کهن دوباره تکرار شد: با از هم پاشیدن نظم مرکزی به دلیل اختلافات داخلی، کنفدراسیون‌های قبیله‌ای استقلال خود را بازیافتند و از پرداخت مالیات خودداری کردند؛ نظم و قانون در مناطق روستایی به‌طور کامل فروپاشید.

با گشت وگذار و غارت قبایل، بریتانیایی‌ها در اکتبر ۱۹۱۱ نیروهایی را در بوشهر پیاده کردند تا از ثبات حوزه نفوذ خود محافظت کنند. اهمیت این اقدام با کشف نفت در سال ۱۹۰۸ پیش از پیش افزایش یافته بود. همزمان، روسیه شمال ایران را تحت نظر داشت و در نوامبر تهدید کرد که تهران را اشغال خواهد کرد مگر آنکه دولت ایران اوتوماتومی را بپذیرد که برکناری یک مشاور مالی جدید آمریکایی را طلب می‌کرد. وقتی مجلس این اوتوماتوم را رد کرد، نخست‌وزیر و کابینه، مجلس را منحل کردند. در نهایت، خواسته‌های روسیه پذیرفته شد و دوران انقلاب مشروطه به پایان رسید.

در آستانه جنگ جهانی اول، مجلس ایران عملاً معلق بود و کشور تحت حکومت وزرای محافظه‌کار قرار داشت که اقدامات آنها تحت نظارت دقیق بریتانیا و روسیه بود. نواحی شمالی و جنوبی کشور نیز در اشغال نظامی نیروهای خارجی بود. قدرت‌های اشغالگر مستقیماً بنا رهبران قبیله‌ای و تجار محلی تعامل می‌کردند و دولت مرکزی تهران را نادیده می‌گرفتند. ایران قانون اساسی به دست آورده بود و سلطنت شاهان قاجار از میان رفته بود، اما کشور در این فرآیند به شدت تقسیم شده بود. ائتلاف بازارها، علمای دین و اصلاح‌طلبان که پیش‌تر متحد شده بودند، تحت فشارهای حکومتداری از هم پاشید و هدف اصلی آنها - کاهش نفوذ خارجی‌ها در ایران - شکست خورد. کنار گذاشتن نهادهای سنتی، هرچند ظاهراً مطلوب به نظر می‌رسید، فرآیندی دردناک بود که همیشه نتایج مطلوب را به همراه نداشت.

نتیجه‌گیری

تحت فشارهای دوگانه توسعه اقتصادی و امپریالیستی اروپا و نارضایتی فرآینده داخلی، نخیکن عثمانی و ایرانی تلاش کردند تا نهاد‌های حکومتی کشورهای خود را بازسازی کنند. در امپراطوری عثمانی، ترک‌های جوان قانون اساسی ۱۸۷۶ را دوباره برقرار کردند، با این امید که وعده‌های آن در درباره برابری همه شهروندان عثمانی، روحی از وحدت و تمایل به پذیرش اصلاحات را در جامعه ایجاد کند. با این حال، این سیاست‌ها را در زمانی دنبال می‌کردند که جوامع قومی مختلف در امپراطوری خواهان استقلال یا خودمختاری بیشتر سیاسی و فرهنگی بودند. با تلاش دولت کمیته اتحاد و ترقی برای ایجاد تعادل میان عثمانی‌گری و کنترل مرکزی شدید، گروه‌هایی را که از سلطنت طولانی عبدالحمید دوم سود برده بودند، بیگانه ساخت. با وجود این، علی‌رغم نیروهای تجزیه‌طلب، اکثریت ساکنان عرب و ترک به دولت عثمانی وفادار ماندند و بر این باور بودند که باید در برابر نفوذ اروپا مقاومت کنند.

در ایران، انقلاب مشروطه همان هدف کلی انقلاب ترک‌های جوان را دنبال می‌کرد. حفظ دولت در برابر فروپاشی داخلی و نه‌اجم خارجی. اما نیروهای حامی قانون اساسی در مورد هدف و مسیر آن اختلاف داشتند. برای علما و بازاری‌ها، حکومت جدید باید فعالیت اقتصادی اروپایی‌ها را محدود و موقعیت سنتی آنها را در سلسله مراتب اجتماعی حفظ می‌کرد. در مقابل، اصلاح‌طلبان با الهام از اروپا امیدوار بودند تحولی بنیادین ایجاد کنند، قوانین سکولار وضع شود و مجلس قانونگذاری قوی شکل گیرد. پس از اعلام قانون اساسی، این تفاوت‌ها آشکار شد و به اندازه‌های شدیدی بود که اداره مؤثر کشور را دشوار ساخت. دولت مرکزی و نیروهای مسلح نیز ضعیف بودند و خزانه خالی بود، بنابراین نه حکومت سلطنتی و نه دولت مشروطه قادر به اعمال قدرت کامل نبودند. با تشدید بی‌ثباتی در ایران، بریتانیا و روسیه برای حفظ نظم در مناطق تحت نفوذ خود، دست به اشغال نظامی زدند. این اقدامات، که اولین نقض‌های عمده حاکمیت ایران توسط قدرت‌های خارجی در قرن بیستم بودند، خشم و نارضایتی شدید ایرانیان را نسبت به مذاکلات تجاری برانگیختند.

اندیشکده‌های آمریکایی معتقدند «عملیات خشم حماسی» به شکستی راهبردی برای ایالات متحده انجامیده است

ضربه کاری ایران به ترامپ

ترجمه

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، با اعلام توافق با ایران، با لحنی پیروزمندانه این توافق را «بیک دستاورد تاریخی» توصیف کرد. این اولین بار نیست که ترامپ چنین روایت پیروزمندانه‌ای را ارائه می‌دهد؛ او در جریان جنگ علیه ایران بارها از

ترامپ بازنده جنگ علیه ایران



ایران در واکنش به جنگ، تنگه هرمز را برای آسیب زدن به اقتصاد جهانی و افزایش فشار سیاسی بر ایالات متحده بسته بود؛ اقدامی که مؤثر واقع شد و اکنون مقامات ایران دریافته‌اند که از یک اهرم اقتصادی قدرتمند برخوردارند. به عبارت دیگر، این جنگ اهرم فشاری در اختیار ایران قرار داده که در آغاز سال ۲۰۲۶ از آن برخوردار نبود. ایران نشان داده است که می‌تواند موج‌های حملات دو دشمن اصلی خود، یعنی آمریکا و اسرائیل را تحمل کند.

در مجموع، ایران برنده راهبردی جنگی چهارماهه محسوب می‌شود. در مقابل، ایالات متحده در نگاه جهان ضعیف‌تر از گذشته به نظر می‌رسد. ارتش آمریکا نشان داد که با وجود مصرف حجم زیادی از موشک‌های دوربرد دقیق و سامانه‌های رهگیر، نتوانسته است ایران را شکست دهد. این نتیجه توان بازآوردن آمریکا در برابر سایر رقیب بالقوه را نیز تضعیف می‌کند.

تاریخ جنگ‌های مدرن آمریکا، ویژه در خاورمیانه، سرشار از نمونه‌هایی است که غرور و اعتمادبه‌نفس بیش از حد، زمینه‌ساز شکست شده است. تمام موارد در تمام مراحل، از برنامه‌ریزی سنجیده و حساب‌شده پرهیز کرد. او ارزیابی خوش‌بینانه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل را پذیرفت؛ ارزیابی‌ای که پیش‌بینی می‌کرد نظام ایران به‌سرعت سقوط خواهد کرد. ترامپ همچنین نظر مشاوران خود را که این پیش‌بینی نتانیاهو را غیرواقع‌بینانه و مضحک می‌دانستند، نادیده گرفت. ترامپ قانون اساسی آمریکا را نیز نادیده گرفت و بدون کسب مجوز از کنگره وارد جنگ شد. او به هشدارهای متحدان اروپایی و آسیایی که با این جنگ مخالف بودند توجهی نکرد و برای احتمال کاملاً قابل پیش‌بینی بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران نیز برنامه‌ای نداشت. همچنین تهدیدهای او درباره نابودی تمدن ایران، تنها باعث تضعیف جایگاه اخلاقی آمریکا در جهان شد. ترامپ اکنون ناچار شده است با چارچوبی برای صلح موافقت کند که از نگاه جهان، به منزله شکست او تلقی می‌شود. این توافق نه‌تنها برای ترامپ، بلکه برای ایالات متحده نیز یک عقب‌گرد و شکست راهبردی محسوب می‌شود. منبع: [The New York Times](#)

ناکام مانده است؛ در حالی که ایران همچنان موقعیت سیاسی خود را حفظ کرده و حتی اهرم‌های جدیدی از جمله تهدید به بستن تنگه هرمز را هم به دست آورده است. در دیدگاه اندیشکده استیمسون نیز همین جمع‌بندی تکرار می‌شود؛ مبنی بر اینکه سیاست فشار حداکثری و رویکرد نظامی علیه ایران ناکارآمد بوده و نه تحریم‌ها و نه حملات نظامی نتوانسته‌اند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کنند، بلکه صرفاً سطح تنش را افزایش داده‌اند؛ از این رو، راه‌حل پیشنهادی آنها بازگشت به دیپلماسی مستقیم و بهره‌گیری از مشوق‌های اقتصادی به جای تداوم فشار نظامی است.

محدودیت‌های قدرت آمریکا



دولت ترامپ با اضمای تمديد آتش‌بس و چارچوبی برای یک توافق صلح با ایران، امیدوار است به جنگی پایان دهد که پرهزینه و کاملاً بی‌ثمر بوده است. ایالات متحده با میلیاردها دلار هزینه برای مهمات، یک بحران اقتصادی ایجاد کرد و تلفات انسانی داد، بدون آن که به هیچ‌یک از اهداف ادعایی خود یعنی تغییر نظام در ایران، پایان دادن به ارتباط ایران با متحدان منطقه‌ای خود، نابودی زرادخانه پیهادی و موشکی ایران، یا مهم‌تر از همه، تضمین درباره مواد هسته‌ای ایران، دست یابد. با برقراری یک آتش‌بس ۶۰ روزه، واشنگتن دوباره به نقطه آغاز بازگشته است؛ تلاش برای اطمینان از اینکه ایران برنامه هسته‌ای نداشته باشد. دولت ترامپ باید بپذیرد که توان تحمیل خواسته‌های حداکثری خود را بر ایران ندارد. اگر انتظارات خود را واقع‌بینانه نکند، این آتش‌بس احتمالاً چیزی بیش از یک وقفه کوتاه پیش از دور بعدی درگیری نخواهد بود. این مشکل جدیدی نیست. در آوریل ۲۰۲۵، ایالات متحده و ایران مذاکراتی را در عمان آغاز کردند که در شرایطی پر تنش، اما نسبتاً سازنده برگزار شد. اما در ژوئن همان سال، ایالات متحده همراه با اسرائیل حملاتی به ایران انجام داد با این ادعا که ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است و باید متوقف شود و این حملات عملاً تلاش‌های دیپلماتیک را پایان داد. وقتی واشنگتن بعداً تلاش کرد مذاکرات را از سر بگیرد، دوباره با همان خواسته

همیشگی بازگشت: ایران نباید هیچ برنامه غنی‌سازی داخلی داشته باشد. ایران وارد مذاکرات شد، اما تاکید کرد که خطوط قرمز آمریکا غیرقابل قبول هستند و برچیدن کامل برنامه هسته‌ای‌اش خط قرمز آن است. در پاسخ، ایالات متحده در اوایل ۲۰۲۶ نیروهای نظامی به منطقه اعزام و در صورت عدم پذیرش خواسته‌هایش تهدید به جنگ کرد. وقتی تهران از پذیرش این خواسته‌های حداکثری خودداری کرد، ایالات متحده جنگی را آغاز کرد که پرهزینه و ناموفق از آب درآمد. ایران اکنون از این دور جدید جنگ خارج شده است، در حالی که همچنان کنترل مواد هسته‌ای خود را در اختیار دارد، نظامش پایرجاست و یک اهرم فشار جدید و قدرتمند به دست آورده است؛ توانایی بسته نگه داشتن تنگه هرمز- در همین حال، ترامپ در داخل کشور با

دولت ترامپ با اضمای تمديد آتش‌بس و چارچوبی برای یک توافق صلح با ایران، امیدوار است به جنگی پایان دهد که پرهزینه و کاملاً بی‌ثمر بوده است. ایالات متحده با میلیاردها دلار هزینه برای مهمات، یک بحران اقتصادی ایجاد کرد و تلفات انسانی داد، بدون آن که به هیچ‌یک از اهداف ادعایی خود یعنی تغییر نظام در ایران، پایان دادن به ارتباط ایران با متحدان منطقه‌ای خود، نابودی زرادخانه پیهادی و موشکی ایران، یا مهم‌تر از همه، تضمین درباره مواد هسته‌ای ایران، دست یابد. با برقراری یک آتش‌بس ۶۰ روزه، واشنگتن دوباره به نقطه آغاز بازگشته است؛ تلاش برای اطمینان از اینکه ایران برنامه هسته‌ای نداشته باشد. دولت ترامپ باید بپذیرد که توان تحمیل خواسته‌های حداکثری خود را بر ایران ندارد. اگر انتظارات خود را واقع‌بینانه نکند، این آتش‌بس احتمالاً چیزی بیش از یک وقفه کوتاه پیش از دور بعدی درگیری نخواهد بود. این مشکل جدیدی نیست. در آوریل ۲۰۲۵، ایالات متحده و ایران مذاکراتی را در عمان آغاز کردند که در شرایطی پر تنش، اما نسبتاً سازنده برگزار شد. اما در ژوئن همان سال، ایالات متحده همراه با اسرائیل حملاتی به ایران انجام داد با این ادعا که ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است و باید متوقف شود و این حملات عملاً تلاش‌های دیپلماتیک را پایان داد. وقتی واشنگتن بعداً تلاش کرد مذاکرات را از سر بگیرد، دوباره با همان خواسته

همیشگی بازگشت: چیزی که تهران برای بازسازی خود به آن نیاز دارد.

چریان‌های تندرو این امتیازات اقتصادی را نشانه ضعف خواهند دانست، اما در واقع، مشوق‌ها تنها راه واقع‌بینانه برای رسیدن به اهداف آمریکا هستند. دولت باید تصمیم دشواری درباره مسیر مذاکرات آینده بگیرد. اما اگر از تجربه یک سال گذشته درسی گرفته شود، این است که قدرت آمریکا محدودیت دارد. ایالات متحده نتوانست ایران را با بمباران وادار به پذیرش خواسته‌های حداکثری کند، نه توانست مواد هسته‌ای آن را از بین ببرد، نه حکومتش را سرنگون کند و نه آن را به تسلیم وادار سازد. اگر دولت می‌خواهد این آتش‌بس به چیزی پایدارتر تبدیل شود، باید از مطالبات حداکثری دست بکشد پیش از آن‌که این مطالبات به شکست مذاکرات و آغاز جنگی دیگر منجر شوند.

منبع: [Stimson Center](#)

آگهی فراخوان عمومی شناسایی و ارزیابی شرکت‌های توانمند



موضوع: ارائه دانش فنی و اجرای پروژه جداسازی بنزن از بنزین پیرولیز و تولید بنزین A92

نوبت اول ILPC-T-05-005

شرکت پتروشیمی ایلام در نظر دارد نسبت به شناسایی و ارزیابی شرکت‌های دارای واحد صنعتی فعال، دانش فنی و امکانات عملیاتی لازم جهت دریافت خوراک بنزین پیرولیز (Pyrolysis Gasoline)، جداسازی بنزن و تولید محصولات قابل عرضه به بازار اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها، کنسرسیوم‌ها و مجموعه‌های دانش‌بنیان فعال که دارای سوابق اجرایی موفق در این زمینه هستند دعوت به عمل می‌آید **حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰** مدارک و مستندات خود را صرفاً در قالب فلش مموری یا **CD** به شرح ذیل به یکی از دو آدرس زیر ارسال فرمایند:

تهران- میدان شیخ بهایی- پلاک ۱۸- ساختمان رایان ونک- طبقه پنجم- واحد ۵۰۸- واحد کمیسیون معاملات ایلام- چوار - نرسیده به روستای آبزآ- مجتمع پتروشیمی ایلام- ساختمان مدیریت- دبیرخانه کمیسیون معاملات

مدل همکاری:

- تأمین خوراک بنزین پیرولیز توسط پتروشیمی ایلام
- انجام عملیات فرآورش و جداسازی بنزن توسط طرف متقاضی در تأسیسات موجود خود
- تحویل محصولات حاصل یا تسویه بر اساس فرمول مورد توافق طرفین
- عدم نیاز به احداث واحد جدید در مجتمع پتروشیمی ایلام
- نحوه تقسیم منافع، هزینه‌های فرآورش، حمل، اکت فرآیندی و تضمین‌های قراردادی در مراحل بعدی تعیین خواهد شد.

شرایط متقاضیان:

- مالکیت یا بهره‌برداری از واحد صنعتی فعال دارای قابلیت جداسازی بنزن
- دارا بودن مجوزهای قانونی لازم خصوصاً مجوز صادرات محصولات جداسازی شده شامل بنزین و بنزن و ...

- سابقه عملیاتی مرتبط

- توانایی پذیرش خوراک و فرآورش مستمر

مدارک مورد نیاز:

- نامه اعلام آمادگی و معرفی نامه رسمی شرکت (شامل خلاصه‌ای

آگهی فراخوان عمومی شناسایی و ارزیابی شرکت‌های توانمند



موضوع: ارائه دانش فنی و اجرای پروژه تولید MDO و MGO از CFO تولیدی پتروشیمی ایلام

نوبت اول ILPC-T-05-006

شرکت پتروشیمی ایلام در نظر دارد به منظور افزایش ارزش افزوده محصولات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در صنعت پالایش و فرآورش فرآورده‌های نفتی، نسبت به شناسایی و ارزیابی شرکت‌های دارای دانش فنی، تأسیسات و مجوزهای لازم جهت تولید سوخت کشتی (MDO) و (MGO) (Marine Gas Oil) از نفت کوره (CFO) اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها، کنسرسیوم‌ها و مجموعه‌های دانش‌بنیان فعال که دارای سوابق اجرایی موفق در این زمینه هستند دعوت به عمل می‌آید **حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰** مدارک و مستندات خود را صرفاً در قالب فلش مموری یا **CD** به شرح ذیل به یکی از دو آدرس زیر ارسال فرمایند:

تهران- میدان شیخ بهایی- پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه پنجم، واحد ۵۰۸- واحد کمیسیون معاملات ایلام، چوار، نرسیده به روستای آبزآ، مجتمع پتروشیمی ایلام، ساختمان مدیریت، دبیرخانه کمیسیون معاملات

مدل همکاری:

- دریافت خوراک نفت کوره (CFO) از پتروشیمی ایلام
- انجام عملیات فرآورش، ارتقای کیفیت، تکلیک، تصفیه یا اختلاط در تأسیسات متقاضی
- تولید سوخت دریایی MDO و MGO مطابق استانداردهای معتبر بین‌المللی
- مشارکت پتروشیمی ایلام در سود حاصل از فروش محصولات به‌دست آمده توسط متقاضی
- استفاده از تأسیسات و تجهیزات موجود متقاضی
- عدم نیاز به احداث واحد جدید در محل پتروشیمی ایلام
- شرایط متقاضیان:

- مالکیت یا بهره‌برداری از تأسیسات فعال پالایشی، فرآورش یا اختلاط فرآورده‌های نفتی
- دارا بودن مجوزهای قانونی مرتبط خصوصاً مجوز صادرات محصولات جداسازی شده موضوع مشارکت
- سابقه تولید یا فرآورش فرآورده‌های نفتی
- توانایی انجام آزمایشهای کنترل و تضمین کیفیت مشخصات محصول نهایی
- برخورداری از توان مالی و عملیاتی مناسب
- سابقه عملیاتی مرتبط
- توانایی پذیرش خوراک و فرآورش مستمر
- مدارک مورد نیاز:

روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام